



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

۷ هزار دلار بابت هر پست در حمایت از اسرائیل

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در جلسه‌ای حاضر شده بود که برای جلب و فراهم‌آوردن نیروی حمایت از اسرائیل در رسانه تشکیل شده بود. او در این جلسه، به گروهی از اینفلوئنسرهای اسرائیلی اشاره کرد و چنین گفت: «ما باید مقابله کنیم و بجنگیم. چطور چنین می‌کنیم؟ با اینفلوئنسرهایمان. فکر می‌کنم اگر فرصت داشتید باید با آن‌ها هم صحبت کنید. با آن جامعه. آن‌ها بسیار مهم‌اند.» پول‌درآوردن از اسرائیل بابت پست‌کردن در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار پرسود است. اسنادی که پیشتر گزارشی از آن‌ها نشده بود، نشان می‌دهند، این اینفلوئنسرها احتمالاً در حال دریافت چیزی حدود ۷ هزار دلار بابت هر پست در حمایت از اسرائیل در شبکه‌های اجتماعی از قبیل تیک‌تاک و اینستاگرام هستند. «بریج پارتنرز» شرکتی است که برای وزارت امور خارجه اسرائیل کار می‌کند. این شرکت مجموعه‌ای صورت‌حساب بابت «کارزار اینفلوئنسر» خود به «حواس مدیا گروپ جرمنی» فرستاده که گروه رسانه‌ای بین‌المللی است و برای اسرائیل کار می‌کند. این صورت‌حساب‌ها، جزئیات مبالغی را نشان می‌دهند که از ژوئن شروع شده‌اند و بناس‌ت تا ماه نوامبر را حساب کرده باشند. مبلغ کل ۹۰۰ هزار دلار است و برای گروهی متشکل از ۱۴ تا ۱۸ اینفلوئنسر است تا تولید محتوا کنند. این سند، که تحت قانون ثبت‌نام عوامل خارجی ثبت شده است، نشان می‌دهد که این بودجه هم برای «پرداخت به اینفلوئنسرها» است و هم برای «هزینه‌های [تولید]، اما جزئیاتی ارائه نمی‌دهد که هر کدام از این دو مورد، چه مبلغی به خود اختصاص داده‌اند. اگر هزینه‌های تولید و مدیریت را تا ۱۶ سپتامبر حساب کنیم، یعنی حق‌الوکاله‌ها، هزینه‌های بانکی، هزینه‌های بازاریابی و دیگر خدمات پروژه‌ای که در سند جداگانه‌ای ذکر شده‌اند، مبلغی که باقی می‌ماند، جمعاً ۵۵۲ هزار ۹۴۶ دلار برای اینفلوئنسرهاست و برای فاصله زمانی بین ژوئن و سپتامبر در سال جاری. این شرکت تخمین زده است که این گروه احتمالاً در این فاصله زمانی بین ۷۵ تا ۹۰ پست منتشر کرده باشند. اگر محاسباتش را انجام دهیم، این یعنی حداقل ۶ هزار و ۱۴۳ دلار بابت هر پست. در حالت حد اکثری، هر اینفلوئنسر احتمالاً بابت هر پست تا ۷ هزار و ۳۷۲ دلار در آورده است. معلوم نیست کدام اینفلوئنسرها در این برنامه شرکت داشته‌اند. از شرکت حواس، شرکت ناظر بر کار بریج پارتنرز، چندین درخواست شد که درباره پروژه اظهارنظر کند، بگوید کدام اینفلوئنسرها در این برنامه شرکت دارند یا چقدر پرداخت شده است اما این شرکت به هیچ‌کدام از این درخواست‌ها پاسخی نداد. یائیر لوی و یوری اشتاینبرگ، بنیانگذاران بریج پارتنرز هستند که هر کدام ۵۰ درصد از سهام شرکت را در اختیار دارند. بریج پارتنرز کار خود را به این شکل توصیف کرده است: کمک به «تبلیغ و ترویج تبادل فرهنگی بین ایالات متحده و اسرائیل». این شرکت که آدرس خود را در محله «کپیتول هیل» در واشنگتن‌دی‌سی ثبت کرده، همچنین کمک ناداو اشتراوشلر، سرگرد سابق واحد سخنگویی ارتش اسرائیل را هم به کار گرفته است. لوی و اشتاینبرگ، برای مشاوره حقوقی به سراغ «پیلزوری، وینتروپ، شاو، پیتمن» رفته‌اند، یک دفتر حقوقی که پیشتر در پرونده جنجالی شرکت جاسوس‌افزارهای اسرائیلی به نام «گروه ان‌اس‌او» کار کرده بود. پروژه کارزار بریج پارتنرز، «پروژه استر» نام گرفته است. معلوم نیست آیا این پروژه، ارتباطی به «پروژه استر»، کارزار بنیاد هرینج دارد یا نه. این کارزار برای مقابله با یهودستیزی است و این کار را از این طریق انجام می‌دهد که به منتقدان اسرائیل به عنوان بخشی از یک شبکه حمایت از تروریسم برچسب می‌زند.



اندیشکده «شورای اروپایی روابط خارجی»، بررسی می‌کند

گزینه‌های اروپا پس از ماشه

کتابه تلخی دارد که بعد از یک دهه تلاش جهت حفظ توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، نه ایران، نه آمریکا، بلکه اروپا ضربه نهایی را زد. سازوکار «ماشه» که قدرت‌های اروپایی کلیدش را زدند، اجرا شده است. با این کار، تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران برمی‌گردند و این نشانه پایان توافقی می‌شود که پایتخت‌های اروپایی زمانی به عنوان پدیده‌ای تاریخی، تجلیلش کردند. حالا که همه کارهای قبلی پاک شده، رهبران اروپایی باید تصمیم بگیرند حرکت بعدی‌شان چیست.

الی گرانمایه

معاون برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در شورای اروپایی روابط خارجی



بالا بردن خطر

بریتانیا، فرانسه و آلمان یا همان ای ۳ [تروئیکای اروپایی]، مدتی مشغول بررسی این بودند که چطور می‌توانند به بهترین شکل از اهرم ماشه استفاده کنند. این سازوکار که به هر طرف حاضر در توافق اجازه می‌دهد تحریم‌های سازمان ملل را علیه ایران برگرداند، بنا بود در اکتبر منقضی شود. تروئیکای اروپایی به ایران هشدار داد، اگر توافقی با ایالات متحده حاصل نکند که در آن برنامه هسته‌ای به عقب بازگردانده شود، همان برنامه‌ای که به نزدیک سطح تسلیحاتی رسیده بود، آن‌ها از این سازوکار استفاده خواهند کرد.

بعد از اینکه ۱۲ روز جنگ بین ایران و اسرائیل ضربه سنگینی به برنامه هسته‌ای ایران زد، تروئیکای اروپایی کوشید با تهدید ماشه، امتیازات تازه‌ای از ایران بگیرد. پیشنهاد دادند، در ازای ازسرگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای، دسترسی کامل بازرسان و تأیید وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده، شش ماه وضعیت را تمدید کنند [و ماشه اجرایی نشود]. تهران این پیشنهاد را رد کرد. این تا حدی به این خاطر بود که تمدید پیشنهادی، با واقعیت‌های سیاسی در تهران فاصله داشت.

پیشنهاد تروئیکا، به لحاظ اصولی منطقی بود و هماهنگ با تعهدات ایران تحت معاهده منع گسترش؛ اما آنچه این سه کشور از ایران خواسته بودند، تسلیم اندک برگه‌های باقی‌مانده چانه‌زنی، در گفت‌وگوهای آینده با آمریکا جهت رفع تحریم‌ها بود، آن هم درست پس از اینکه ایران بمباران شده بود. در مقابل، تروئیکا پیشنهاد می‌داد که تفنگ ماشه را همچنان به سمت ایران نشانه بگیرد.

ایران به تازگی جنگی بی‌سابقه با اسرائیل و آمریکا را از سر گذرانده بود، دو طرفی که مشترکاً تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داده بودند. بدتر از آن اینکه این اتفاق، در میانه مذاکراتی بین آمریکا و ایران رخ داد که میانه‌روها در دولت رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان، از آن حمایت کرده بودند؛ همان گروهی که پشت توافقی ۲۰۱۵ بودند. آن‌ها که دو بار از ترامپ رودست خورده بودند، فضای چندانی نداشتند که فشار بیابورند تا برای تمدید ماشه، امتیاز داده شود.

بعد از بحثی جدی داخل کشور، دولت ایران اوایل سپتامبر، توافقی جدید با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفت. این هم با استقبال مدیرکل آژانس مواجه شد که آن را گامی در جهت درست دید. در نشست اخیر مجمع عمومی سازمان ملل، ایران و تروئیکا به مذاکره ادامه

دیوار بی‌اعتمادی ضخیم و ضخیم‌تر

STIMSON مسیر تهران - واشنگتن به دره‌ای تازه رسید

تهدید کرده به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیده‌بان هسته‌ای جهان، ادامه ندهد. برنامه هسته‌ای ایران حالا وارد دوره تازه‌ای از ابهام می‌شود، با نامعلومی مکان حدود ۱۰۰۰ پوند اورانیوم غنی‌شده سطح بالا و با گزارش‌هایی از ساخت تأسیساتی تازه که آژانس از آن بازرسی نکرده است. امکان حمله نظامی جدید از سوی اسرائیل و آمریکا وجود دارد، اگر هر کدام تلاش‌هایی از سوی ایران رصد کنند، در جهت بازسازی نیروگاه‌هایی که با بمباران ماه ژوئن، آسیب سنگین دیده‌اند. برخی ایرانی‌ها بر این باورند که تنها راه برای بازدارندگی در مقابل حملات بیشتر، ساخت بمب هسته‌ای است.

از نظرکار روابط ایالات متحده و ایران، این اتفاقات به‌شکلی ویژه دل‌سردکننده است. اینجا دره‌ای تازه در مسیر تلاش‌های مقلع برای حل اختلافی است که سابقه‌اش به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و سرنگونی شاه مورد حمایت ایالات متحده برمی‌گردد. ایران به رهبری روحانی مسلمان شیعه، آیت‌الله روح‌الله خمینی، رویکرد «نه شرقی، نه غربی» در مقابل دو ابر قدرت وقت در پیش گرفت اما عداوت خاصی نسبت به ایالات متحده نشان داد و از گروگان‌گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی حمایت کرد. تلاش‌های پراکنده برای بهبود روابط، حتی پس از آزادی گروگان‌ها ناکام ماندند، در شرایطی که ایالات متحده در جنگی هشت‌ساله علیه ایران از عراق حمایت کرد. پایان این درگیری با پذیرش آتش‌بس از سوی ایران و زمانی رخ داد که نیروی دریایی ایالات متحده هواپیمای غیرنظامی ایران را به غلط سرنگون کرد و تمامی ۲۹۰ نفر حاضر در آن را کشت. به‌رغم تلاش‌هایی از سوی هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰، شامل اشاره به معاملات پرسود نفتی، ایالات متحده تحریم‌های بیشتری علیه ایران اعمال کرد، به عنوان مجازات حمایتش از شبه‌نظامیان ضداسرائیلی و نیز به اتهام ترور مخالفان در اروپا. در سال ۱۹۹۷، به نظر می‌رسید انتخاب جانشین رفسنجانی، فصلی تازه را آغاز کرده است. در سال ۱۹۹۸، رئیس‌جمهور محمد خاتمی به کریستین امانپور، خبرنگار سی‌ان‌ان گفت امیدوار است کم‌کم، دیوار ضخیم بی‌اعتمادی بین



باربارا اسلاوین

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه جورج واشنگتن



با اجرای سازوکار ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران در ۲۷ سپتامبر، فصل مهمی در بیش از دو دهه دیپلماسی هسته‌ای غرب با این کشور، به پایان رسید. مذاکرات برای رفع دغدغه‌ها درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سال ۲۰۰۲ برمی‌گردند، زمانی که آشکار شد، ایران در حال ساخت تأسیساتی جهت غنی‌سازی اورانیوم است، سوختی که می‌شود برای اهداف صلح‌آمیز از آن استفاده کرد یا با آن سلاح ساخت. گفت‌وگوهایی که با رهبری اروپایی‌ها انجام می‌شدند، در نهایت منجر به توافقی شدند که ایالات متحده و سازمان ملل متحد، با آن موافقت و از آن حمایت کرده بودند، یعنی برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ یا همان برجام که محدودیت‌های سختگیرانه بر غنی‌سازی را با رفع تحریم، تبادل کرد.

در پی تلاش‌های ناکام برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که برجام را مدون کرده بود، ایران